



نقد و معرفی کتاب: «نابغه فقه و حدیث» در آینه نقد و گزارش (1)

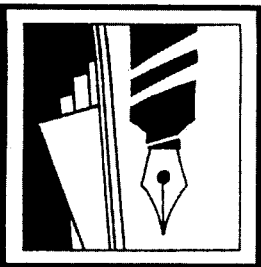
پدیدآورده (ها) : فاطمی موحد، سید حسن
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: آینه پژوهش :: آذر و دی 1388 - شماره 119
از 19 تا 35

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/562692>

دانلود شده توسط : سید حسن فاطمی
تاریخ دانلود : 12/04/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.





«نابغه فقه و حدیث»

در آینه نقد و گزارش (۱)

سیدحسین فاطمی موحد

در گذشت امین را نوشته است، ایراد می‌گیرد، پس از آن می‌نویسد: آقای برقی نیز در زمان حیات شیخ مرتضی آل یس کاظمی، با لفظ «مرحوم» از او یاد کرده است. محققانی که مثلاً می‌خواهد بدانند آیا ایرادی در مورد حسین نعمتی طوسی در این کتاب آمده است یا خیر، باید سراسر کتاب را مطالعه کند. این مشکل با تهیه فهرست اعلام چندان قابل حل نیست؛ زیرا ممکن است از یک نفر سی بار نام بیبرد و تنها در یک جا ایرادی را مطرح کند.

برای آسان شدن دستیابی به ایرادها، آنها را به ترتیب الفبایی نام اشخاص، تنظیم کردیم و ایراد را ذیل هر نام می‌آوریم.

یادآوری

الف) نقل قول‌ها مستقیم نیست، بلکه گاه عبارات را تلخیص کردیم و گاه به عکس، به دلیل اینکه درک عبارات، منوط به سخنان پیشین نویسنده است، ناچار به توضیح بیشتر شدیم. در مواردی عبارات پاورقی را با متن درآمیختیم و نیز مجبور به عبارت پردازی جدید و ویرایش شده ایم. برخی عبارات به قدری مغلق است که بدون مراجعه به مصادر، مراد نویسنده معلوم نشد.

ب) گاه در این مقاله مطالبی وجود دارد که در کتاب نابغه فقه

مقاله «نابغه فقه و حدیث در آینه نقد و گزارش» جناب آقای سیدحسین فاطمی موحد آکنده است از نکته‌های دقیق و باریک‌نگریهای فاضلانه که با همه طولانی بودن از نشر آن نمی‌شود تن زد، از این روی سزایمند چنان دیدیم که نکته‌ها و مطالب مندرج در مقاله را که خوشبختانه به ترتیب حروف الفبا نظم یافته است از آغاز تا حرف «م» در این شماره بیاوریم و بقیه آن را در شماره بعد.

مقدمه

محقق مدقق حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد جزائری (۱۳۱۱-۱۳۸۴ ش) کتاب نابغه فقه و حدیث^۱ را در معرفی شخصیت علامه سید نعمت‌الله جزائری (۱۰۵۰-۱۱۱۲ ق) به نگارش درآورد؛ اما در ضمن آن، ایرادهای فراوانی را در فهرست‌ها و شرح حال‌ها گوشزد کرده است. فراوانی ایرادها در کتاب‌های مهم که بسیاری از پدیدآورندگان آنها اشخاصی دقیق بوده‌اند، گویای آن است که در فهرست‌نویسی و شرح حال‌نگاری‌های گسترده، فرار از لغزش امکان‌پذیر نیست؛ حتی در کتاب نابغه فقه و حدیث با همه دقت‌های نویسنده، ایرادهایی به چشم می‌خورد.

پراکندگی و بی‌نظمی تذکرات حجت الاسلام جزائری در پانصد صفحه، دسترسی به انتقادهای را دشوار کرده است؛ مثلاً هنگامی که از شخصی در زمان حیات سیدمحمدحسن امین، تاریخ

۱. سیدمحمد جزائری؛ نابغه فقه و حدیث؛ ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.

و حدیث نیست؛ اینها را با توجه به کتاب‌های دیگر افزوده‌ایم؛ مثلاً اگر عنوان کتاب بدون ذکر نام نویسنده است، نام او را از کتاب‌های دیگر یافته‌ایم یا اگر نام شخص را بدون ذکر نام پدر آورده است، برای بهتر شناساندن شخص، در صورت توان، نام پدر را ذکر کرده‌ایم. گاهی در آدرس دهی تنها به ذکر نام کتاب بسنده کرده‌ایم و کوشیده‌ایم نشانی کامل را با شماره جلد و صفحه پیدا کنیم.

ج) اگر ذکر نکته‌ای را علاوه بر سخن حجت الاسلام جزائری، مناسب دانستیم، ذیل «یادآوری» می‌آوریم.

د) معمولاً این ایرادها منحصر به مأخذی نیست که حجت الاسلام جزائری مورد انتقاد قرار داده است، بلکه به کتاب‌های دیگر نیز راه یافته است.

آقابزرگ تهرانی

یک) در کتاب وفیات العلماء یا دانشمندان اسلامی (ص ۲۷۳) می‌گوید: «در سال ۱۳۹۵ وفات کرد؛ عالم متبع و فقیه متبحر حضرت آقای محمد محسن آقا شیخ آقابزرگ تهرانی و در جوار حضرت معصومه (س) دفن شد؛ در سن صد سالگی، سه کتاب از تألیفات خود به یادگار گذاشت:

۱. کتاب نقباء البشر؛

۲. کتاب کرام البرره؛

۳. کتاب ذریعه ...»

در عبارت فوق چند ایراد دیده می‌شود:

۱. آقابزرگ در سال ۱۳۸۹ ق از دنیا رفته است، نه ۱۳۹۵؛

۲. او در خانه اش در نجف مدفون شد، نه در جوار حضرت

معصومه (س)؛

۳. ۹۶ سال عمر کرده صد سال؛

۴. کتابهای آقابزرگ بیش از سه مورد است (ص ۴۶۲-۴۶۳).

یادآوری: حجت الاسلام جزائری تنها عبارت وفیات العلماء را در پاورقی نقل کرده است و ما ایرادهایی را با توجه به توضیحات متن و اطلاعات دیگر نوشتیم.

دو) شیخ آقابزرگ در سال ۱۲۹۳ ق تولد یافت؛ اما در کتاب خدمتگذاران عالم کتاب (ص ۵۰) تولد وی به اشتباه ۱۲۹۰ است (ص ۴۶۲).

سه) پدر شیخ آقابزرگ تهرانی، حاج علی نام داشت؛ چنانکه شیخ آقابزرگ در پایان شرح ایساغوجی به خط خود نوشته و در مقدمه نواخ الرواة (ص «بیخ») کلیشه خط وی آمده است؛ همچنین در پاورقی صفحه «بی» در آن مقدمه مذکور است؛ اما در جزوه‌ای درباره ایمان ابوطالب، تألیف شیخ مفید

(چاپ کنگره شیخ مفید، ص ۴۴) نام پدر وی را به اشتباه محمدرضا نوشته‌اند (ص ۴۶۲).

چهار) طبقات اعلام الشیعه یازده جلد است و به هریک از قرون هجری از چهارم تا چهاردهم، یک مجلد با نامی مخصوص، اختصاص دارد. چند اشتباه در مورد این کتاب رخ داده است:

۱. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در تقریظ نقباء البشر فرموده است: سه یا چهار جلد برای سه یا چهار قرن است. خود علامه تهرانی در پاورقی آن تقریظ، توضیح داده که برای یازده قرن است.

۲. زرکلی در الاعلام (ج ۱۰، ص ۳۲۱) آن را «طبقات اعیان الشیعه» نامیده است (ص ۴۷۵).

۳. صاحب اعیان الشیعه (چاپ یازده جلدی، ج ۱، ص ۱۴ و ص ۱۵۳) که از این کتاب بسیار نقل کرده است، آن را سیزده جلد خوانده است.

یادآوری: صاحب اعیان الشیعه سه اشتباه دیگر نیز در دو آدرس مذکور دارد:

الف) عنوان کتاب را «طبقات الشیعه» ذکر کرده است؛

ب) مجلدات طبقات را مربوط به قرن‌های سوم تا سیزدهم نوشته است؛

ج) عنوان کامل ذریعه الی تصانیف الشیعه را اینگونه نوشته است: «الذریعه الی معرفة مؤلفات الشیعه».

آقا جمال بن حسین خوانساری

یک) صاحب قصص العلماء، آقا جمال بن آقا حسین خوانساری را که هم دوره سید نعمت‌الله جزائری بوده، جزء استادان او شمرده است. او را با پدرش آقا حسین خوانساری اشتباه کرده است (صص ۱۷۷ و ۱۸۱).

دو) فاضل معاصر سید احمد حسینی اشکوری - مباشر چاپ امل الآمل - تاریخ درگذشت آقا جمال را از اعیان الشیعه (ج ۴۴، ص ۲۱۱) سال ۱۰۲۵ نقل کرده و آن را درست پنداشته است؛ زیرا توضیحی درباره آن نداده است، ولی تاریخ مزبور غلط چاپی است و ۱۱۲۵ ق درست است (ص ۱۸۲).

ابراهیم بن علی عاملی کفعمی

ر. ک به: کفعمی.

فرموده است: صاحب روضات جلد دوم را به خط مؤلف داشته و گفته است تاریخ آن ۱۱۰۸ ق می باشد.

شاید اختلاف نقل ها در این تاریخ به سبب اختلاف در فهم عبارت در آخر آن است: «الثالث الثاني من اليوم الثاني من النصف الثاني من الشهر الثاني من الثالث الثاني من السنة الثانية من بعد السنة الثانية من العشر الثاني من الالف الثاني». آن گاه صاحب ذریعه استظهار کرده است که مطابق ۱۷ جمادی الثاني ۱۱۰۴ ق است.^۶

عبارت مزبور، در حاشیه روضات الجنات (ص ۶۳۱) است؛ ولی تفسیر به ۱۱۰۸ ق یا غیر آن نشده است.^۷ ظاهراً همان سال ۱۱۱۲ ق را می رساند و روز و ماه همان گفته صاحب ذریعه است. ظاهراً «من بعد السنة الثانية» تصحیف «من بعد المائة الثانية» بوده و ترجمه آن به فارسی چنین است: از سال دوم از سده دوم از دهه دوم از هزاره دوم (ص ۲۴۲-۲۴۳).

هفت) مرآة الانوار و مشکاة الاسرار، از آثار شریف در تفسیر قرآن است. محدث نوری مقدمه آن را استنساخ کرد و در سال ۱۲۹۵ که تفسیر برهان چاپ شد، آن را به عنوان مقدمه تفسیر چاپ کرد؛ اما در چاپ، مقدمه را به شیخ عبداللطیف کازرونی نجفی نسبت داد. علامه امین که به این مطلب توجه نداشته است، آن را از این شیخ که وجود خارجی ندارد، دانسته است.^۸ (ص ۲۴۳-۲۴۴).

یادآوری: سید محسن امین در جایی دیگر به این نکته توجه داشته است. در چاپ جدید اعیان الشیعه (ج ۷، ص ۳۴۳) آمده است: به غلط در چاپ مرآة الانوار، نام کازرونی را نوشته اند.

هشت) در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۳، ص ۸) تفسیر مرآة الانوار را بحر العرفان معرفی کرده است؛ در حالی که آن، تفسیری دیگر است (ص ۲۴۴).

نه) علامه تهرانی از لؤلؤة البحرين نقل کرده است که پدر شیخ یوسف بحرانی سال ۱۱۱۵ شریف را در نجف ملاقات کرده است و بین آن دو، مباحثاتی صورت گرفته است.^۹ عبارت لؤلؤة البحرين (ص ۱۰۸) چنین است: «فی السنة

۲. فوائد الرضویه؛ ج ۱، ص ۹. ذریعه؛ ج ۱۵، ص ۲۴۹ به نقل از: ریاض العلماء.

۳. ریحانة الادب؛ ج ۲، ص ۴۶۰.

۴. الكواكب المنتثرة؛ ص ۱۷۴.

۵. لؤلؤة البحرين؛ ص ۱۰۸.

۶. ذریعه؛ ج ۱۶، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۷. مگر در چاپ اول بوده که به نظر مانرسیده است.

۸. اعیان الشیعه؛ ج ۳۸، ص ۸۸.

۹. الكواكب المنتثرة؛ ص ۱۷۴.

ابراهیم بن ملاصدرا

عروة الوثقی از آثار میرزا ابراهیم بن ملاصدرای شیرازی (م ح ۱۰۷۰) در تفسیر است.^۲ بعضی به اشتباه به عنوان حاشیه عروة الوثقی نوشته اند^۳ (ص ۱۴۱).

ابوالحسن بن محمد طاهر اصفهانی غروی (شریف) یک) فهرست کتابخانه مجلس (ج ۳، ص ۸) مولی ابوالحسن اصفهانی غروی را شاگرد سید نعمت الله جزائری معرفی کرده است؛ حال آنکه از او اجازه داشته است (ص ۲۳۸).

دو) صاحب ریحانة الادب، شرح حال او را ذیل «شریف»- لقب او- نوشته و به درستی محدث قمی را مورد انتقاد قرار داده است که: در الکنی واللقاب ذیل «ابوالحسن» شرح حالش را آورده است؛ به گمان آنکه «ابوالحسن» کنیه او است؛ در صورتی که نام او بوده است نه کنیه اش (ص ۲۳۹).

سه) صاحب ریحانة الادب نام مادر شریف را «آمنه» نوشته و مدرک او خاتمه مستدرک است؛ اما از آنجا چنین چیزی مستفاد نمی گردد، محدث نوری گفته است: شریف جد مادری شیخ باقر است و مادر شیخ باقر، آمنه دختر فاطمه و دختر شریف است (ص ۲۳۹).

چهار) در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۳، ص ۸) او را عبدالرحیم نامیده است، اما بی مدرک است (ص ۲۳۹).

پنج) علامه تهرانی هنگام برشمردن نام مشایخ شریف، تنها از این افراد نام برده است: علامه مجلسی، قاسم بن محمد کاظمی، محمد حسین بن حسن میسی، صفی الدین بن فخرالدین طریحی، عبدالواحد بن محمد بن احمد بورانی، دایی او میر محمد صالح خاتون آبادی و محمود میمندی.^۴

شریف از جمعی دیگر از جمله سید نعمت الله جزائری نیز اجازه داشته است که در روضات الجنات مذکورند؛ اما چون آقابزرگ اجازه های آنان را ندیده، نامشان را نبرده است (ص ۲۴۰).

شش) الفوائد الغرویة والدرر النجفیة از تألیفات شریف است. محدث بحرانی تنها جلد دوم آن را داشته است و فرموده: مورخ ۱۱۱۲ ق است.^۵ سید محمد صادق بحر العلوم در پاورقی لؤلؤة البحرين گوید: من هر دو جلد را استنساخ کردم و تاریخ جلد دوم ۱۱۱۲ ق است. صاحب ذریعه (ج ۱۶، ص ۳۵۳)



الخامسة عشرة بعد المائة والالف». در نسخه خطی الكواكب المنتثرة درست نقل شده است؛ اما در چاپ به ۱۱۲۵ تصحیف شده است.

ده) شیخ آقابزرگ نوشته است: سید محمد بن علی بن حیدر عاملی و شیخ احمد بن اسماعیل جزائری از شاگردان شریف بوده اند و آن دو در اجازه هایشان، به آن تصریح کرده اند.^{۱۰} گویا مقصود آن است که تصریح کرده اند از او اجازه داشته اند، نه اینکه شاگرد او بوده اند؛ زیرا در اجازه کبیره آمده است: سید محمد بن علی بن حیدر و شریف از یک طبقه بوده اند (ص ۲۴۰).

ابوالقاسم بن رضی الدین بن نورالدین

ر. ک به: عبداللطیف بن ابوطالب بن نورالدین.

ابوالقاسم حالت

شیخ علی محمد دزفولی معروف به ابن العلم (م ۱۳۷۰ ش) در کشکول ابن العلم (ج ۲، ص ۲۵۶) شعری از مرحوم ابوالقاسم حالت - شاعر توانا و طنزنویس معاصر - آورده است و از وی به مرحوم حالت تعبیر نموده و تاریخ درگذشت او را ۱۳۳۳ ش درج کرده است؛ در حالی که وی تا این اواخر زنده بود و سال ۱۳۷۱ ش یک سال پس از ابن العلم درگذشت (ص ۴۵۲).

ابوالولی بن محمد هادی حسینی شیرازی

صاحب ریاض العلماء (ج ۵، ص ۵۲۶) در معرفی او می گوید: «ورد إصفهان فی أوان صبائی ولم أره»: در آغاز جوانی من وارد اصفهان شد و من او را ندیدم.

صاحب اعیان الشیعه (یازده جلدی، ج ۲، ص ۴۴۳) عبارت صاحب ریاض را این گونه نقل کرده است: «ورد اصفهان فی أول صباه ولم أره».

با تغییر «صبائی» به «صباه» سبب تغییر در معنا شده است (ص ۱۸۳).

یادآوری: عبارت فوق در جلد پنجم ریاض العلماء است؛ اما در نابغه فقه و حدیث در اثر اشتباه چاپی، جلد ششم نوشته شده است.

ابوالولی بن محمود انجوی شیرازی

معرفی او در ریاض (ج ۶، ص ۵۲۶) آمده است. در اعیان الشیعه (یازده جلدی، ج ۲، ص ۴۴۳) نیز معرفی شده است، اما «انجوی» به «انجولی» تصحیف شده است (ص ۱۸۳).

احمد بن ابراهیم بحرانی

علامه تهرانی از لؤلؤة البحرین نقل کرده است که احمد بن ابراهیم بحرانی - پدر شیخ یوسف بحرانی - سال ۱۱۱۵ مولی ابوالحسن اصفهانی شریف را در نجف ملاقات کرده است و بین

آن دو، مباحثاتی صورت گرفته است.^{۱۱} عبارت لؤلؤة البحرین (ص ۱۰۸) چنین است: «فی السنة الخامسة عشرة بعد المائة والالف». در نسخه خطی الكواكب المنتثرة درست ضبط شده است؛ اما در نسخه چاپی به ۱۱۲۵ تصحیف شده است (ص ۲۴۱).

احمد بن حسین موسوی شوشتری

با اینکه بنای صاحب اعیان الشیعه (ج ۳، ص ۱۲۶) معرفی در گذشتگان بوده است، شخص فوق را شناسانده است. او هنگام تألیف اعیان الشیعه حیات داشته است. منشأ این اشتباه آن است که نام او را از ذریعه (ج ۱، ص ۱۲۳) گرفته و چون در آنجا کلمه «معاصر» را نوشته است، صاحب اعیان او را از در گذشتگان پنداشته است.

احمد بن حسین صاحب اجازات المشایخ و مجازات الشوامخ است (ص ۴۴۷).

احمد بن اسماعیل جزائری

ر. ک به: سید محمد بن علی بن حیدر عاملی.

احمد معلم

سید احمد معلم - متخلص به مشفق - از علما و ادبای عصر خود بوده است و کتاب زبدة التحریب فی شرح الجوشن الصغیر را در سال ۱۲۷۲ تألیف کرده است. آغاز این کتاب چنین است: «الحمد لله الذی جعل الدعاء جوشناً للداعین و جنة واقية للصالحین و مفتاح الفلاح للعابدين و زاد العباد للمتقين و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطيبين الطاهرين ... و سميته زبدة التحریب فی شرح الجوشن الصغیر».

نام این کتاب هیچ کجا نیامده است (ص ۱۰۷).

اسدالله بن اسماعیل دزفولی کاظمی

کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۴۷) عنوان مقابس، تألیف شیخ اسدالله را به صورت مقابیس نوشته است (ص ۸۴).

یادآوری: عنوان کامل، «مقابس الانوار فی احکام النبی المختار» است.^{۱۲}

۱۰. همان.

۱۱. همان، ص ۱۷۴.

۱۲. بحار الانوار؛ ج ۱۰۲، ص ۲۶، پاورقی.

۸۴۴) پسر چهارمی برای او به نام ملارضا ذاکر - متخلص به فیاض - نوشته که گاهی شعر می گفته است؛ چنین نقلی اشتباه است (ص ۳۹۲).

شش) معروف ترین کتاب شیخ جعفر شوشتری کتاب خصایص الحسین (ع) است. یک نسخه آن در فهرست کتابخانه ملک (ج ۱، ص ۵۲) به نام الانوار الحسینیه معرفی شده است و آن را به خط مؤلف دانسته که اشتباه است (ص ۳۹۱).

یادآوری: امروزه با کتاب به «الخصایص الحسینیه» معروف شده و چاپ گشته است؛ اما خود نویسنده، کتابش را در مقدمه، «خصایص الحسین و مزایا المظلوم» نامیده است.

جعفر بن عبدالصمد موسوی جزائری

علامه تهرانی سال درگذشت سید جعفر را ۱۳۵۴ ضبط کرده است. ۱۷

تاریخ صحیح درگذشت او ۱۳۵۰ است، نه ۱۳۵۴؛ چنان که در اعیان الشیعة (ج ۴۲، ص ۱۴۱) و نقباء البشر (ج ۱، ص ۲۹۱) و معجم المؤلفین (ج ۹، ص ۱۵۲) و شجره مبارکه (ج ۲) آمده است (ص ۶۹-۷۰).

یادآوری: با مراجعه به ذریعه معلوم شد در آنجا سال ۱۳۵۰ ضبط شده است.

جعفر بن کمال الدین بحرانی

یک) محدث بحرینی و فاتش را سال ۱۰۸۸ نقل کرده است و گفته: تألیفی از او ندیده ام. ۱۸

محدث نوری از معاصران شیخ جعفر، درگذشت او را در اواخر ۱۰۹۱ نقل کرده و بنا به گفته آن معاصر، تصنیفات و تألیفات بسیاری در تفسیر و حدیث و علوم عربی داشته است؛ از جمله کتاب لباب که آن را برای شاگرد خود عالم جلیل سیدعلی خان مدنی فرستاد. ۱۹

نظر به اینکه این معاصر از نزدیک او را دیده و از تألیفاتش آگاهی داشته است، قول او در تاریخ وفات درست است. مؤیدش آن است که سید نعمت الله جزائری در انوار النعمانیة - تألیف ۱۰۸۹ - به درگذشت او اشاره نکرده است (ص ۱۷۴).

دو) در مستدرک اعیان الشیعة (ج ۲، ص ۷۷) از نسخه

۱۳. تذکره شوشتری؛ ص ۱۴.

۱۴. تحفة العالم؛ ص ۵۸.

۱۵. ذریعه؛ ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۱۶. غنیمة السفر؛ ص ۳۶.

۱۷. ذریعه؛ ج ۱۲، ص ۶۹.

۱۸. لؤلؤة البحرین؛ ص ۷۰.

۱۹. خاتمة مستدرک الوسائل؛ ص ۳۸۹.

افضل بن عبدالله

خواجه طالب بن خواجه اسماعیل بن خواجه افضل بن عبدالله در سال ۱۰۸۷ برای تجدید بنای مسجد جامع شوشتری ایباتی با این آغاز و انجام گفته است:

شک نیست که بانی مساجد

در هر دو جهان بود سرافراز

برخاست یکی از آن میانه

گفتا مسجد شده خدا ساز ۱۳

صاحب تحفة العالم (ص ۵۸) بیت اخیر را ذکر کرده است و

آن را به خواجه افضل، جد خواجه طالب نسبت داده است ۱۴ (ص ۲۷۴).

امام قلی خاکی خراسانی

ر. ک به: خاکی خراسانی.

جعفر بن حسین شوشتری

یک) صاحب معارف الرجال (ج ۱، ص ۱۶۴) شرح حال

واعظ معروف شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ ق) را نوشته است؛ اما به اشتباه پدر او را محمدعلی نامیده است (ص ۳۹۰).

دو) علامه تهرانی فرموده است: نسب شیخ جعفر شوشتری به شیخ محمدنجار می رسد؛ ۱۵ در حالی که نسب او به شیخ علی برادر شیخ محمدنجار می رسد (ص ۳۰۶).

سه) در مکارم الآثار (ج ۳، ص ۸۴۰) به نقل از ماهنامه وحید، تولد شیخ جعفر را از قول نوه اش آقای صدری کیوان در ۱۲۲۷ نوشته است؛ ولی اشتباه است. غنیمة السفر تألیف میرزا محمد همدانی ملقب به امام الحرمین (شاگرد شیخ جعفر) قدیمی ترین مصدر در شرح حال شیخ جعفر است؛ در آن تصریح شده است که او هفتاد و سه سال عمر کرد ۱۶ و چون درگذشت وی در ماه صفر ۱۳۰۳ واقع شده، تولدش در سال ۱۲۳۰ بوده است، نه ۱۲۲۷ (ص ۳۹۱).

چهار) آیت الله مرعشی نجفی در الاجازة الکبیره (ص ۴۰۶) غنیمة السفر تألیف میرزا محمد همدانی را جزء تألیفات شیخ جعفر نوشته که اشتباه است (ص ۳۹۱).

پنج) شیخ جعفر شوشتری سه پسر به نام های محمدعلی، اسماعیل و ابراهیم داشته است. در مکارم الآثار (ج ۳، ص



در شجره طیبه و تنمة الشجرة، بدون دقت، به استناد آن شجره، محمدزکی و محمدباقر را نوشته اند و گفته اند از اعقاب آنان اطلاعی نیست؛ اما این دو نفر وجود خارجی ندارند؛ چه رسد که اعقابی برای آنان تصور شود (ص ۳۵۶-۳۵۷).

جمال بن حسین خوانساری

ر. ک به: آقا جمال خوانساری.

حجت الاسلام شفتی

در چاپ اول کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، تألیف شیخ مرتضی بن محمد جعفر انصاری (ص ۶۷) دو اشتباه در مورد حجت الاسلام شفتی دیده می شود:

یک) نام پدر حجت الاسلام شفتی را محمدتقی - با تا - نوشته است، اما با نون درست است.

دو) وفات او را که سال ۱۲۶۰ بوده ۱۲۷۰ پنداشته است؛ با اینکه ماده تاریخ او را موافق با ۱۲۶۰ از نخبه المقال نقل کرده است (ص ۸۳).

حسن بن زین الدین شهید ثانی

یک) صاحب معالم در کتاب منتقى الجمان احادیث را تا آخر حج آورده است. در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۱۷۵) آن کتاب جزء کتب درایه و رجال معرفی شده است (ص ۲۲۶).

دو) در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۲۶۷) صاحب معالم، سبط شهید ثانی خواننده شده است؛ حال آنکه فرزند اوست (ص ۴۷۹).

حسن بن یوسف بن مطهر حلّی

ر. ک به: علامه حلّی.

حسین بن ابو محمد نعمتی طوسی

او از شاگردان مجلسی و از مشایخ سید نصرالله حائری و مجاز از شیخ حر و شیخ محمد امین کاظمی بوده است؛ به طوری که در الکواکب المنتزه (ص ۱۸۷) آمده است. صاحب منبع الینابیع مکرر از وی به صورت «الحسین النعمتی ایدیه الله» نقل کرده است؛ اما در الکواکب المنتزه «محمد حسین» است و «محمد» زیاد است (ص ۱۵۳).

حسین بن سبّی حویزی

یک) قصص العلماء (ص ۴۳۹) و مقدمه زهر الربیع (چاپ نجف، ص «د» نام شیخ حسین بن سبّی حویزی را به اشتباه «حسن» نوشته است (ص ۱۷۷).

دو) در شجره طیبه در شرح حال سید نعمت الله جزائری ۲۰. اعیان الشیعه؛ ج ۱۵، ص ۲۹۷ و چاپ یازده جلدی، ج ۴، ص ۹۶. ۲۱. ر. ک به: شجره طیبه؛ نسخه خطی.

خطی تاریخ بحرین، در گذشت او را در ۱۰۰۸ نوشته است که غلطی آشکار است؛ ولی ناقل به این غلط اشاره نکرده است.

کتاب مذکور به طوری که در مستدرک اعیان (ص ۷، پاورقی) آمده است، تألیف محمد علی بن محمد تقی بن موسی بحرانی است که در ۱۲۹۸ متولد شد و زمان حیات او با شیخ جعفر فاصله زیادی دارد (ص ۱۷۴).

جعفر حسینی هروی مشهدی

سید عبدالله بن نورالدین بن نعمت الله جزائری در اجازه کبیره، هنگام معرفی سید جعفر حسینی می گوید: «استجاز والدی فأجازه»: از پدرم اجازه خواست و او هم اجازه داد.

یک) عبارت فوق با قبل و بعدش در مخطوط الکواکب المنتزه آمده است؛ اما از چاپ افتاده است (ص ۳۸۰-۳۸۱).

دو) در اعیان الشیعه نیز آمده است؛ اما در چاپ یازده جلدی، یک حرف اضافی باعث تغییر در معنا شده است: «استجازه والدی فأجازه»^{۲۰}: پدرم از او اجازه خواست و او هم اجازه داد (ص ۳۸۰-۳۸۱).

جمال الدین بن نعمت الله جزائری

از سید جمال الدین که ظاهراً کوچک ترین فرزند سید نعمت الله جزائری بوده است، یک پسر به نام سید مجدالدین ماند که هنگام تألیف تذکره شوشتتر (ح ۱۱۶۷) در هندوستان بوده است و بعد از آن تاریخ مفقود الاثر شد.

در شجره طیبه فرموده است: «سید جمال الدین به هندوستان رفت. از او به عمل آمد سید مجدالدین، سید محمد زکی، سید محمد باقر»^{۲۱}.

این سخن از دو نظر اشتباه است:

الف) سید جمال الدین به هند نرفت؛ بلکه فرزندش سید مجدالدین به هند رفت؛

ب) سید جمال الدین - به طوری که از تذکره شوشتتر و تحفة العالم برمی آید - فقط مجدالدین را داشته است و چون در وقت تألیف تحفه در سال ۱۲۱۶ زنده نبوده، احتمال تولد دو نفر دیگر پس از این سال منتفی است. مدرک شجره طیبه در ثبت این دو نام، شجره نوریه است که ما این را از اغلاط او می دانیم و در اینکه شجره نوریه، سید مجدالدین را بلاعقب معرفی کرده، تأمل داریم؛ زیرا مفقود الاثر غیر از بلاعقب بودن است.

رفیع الدین محمدبن حیدر طباطبایی (میرزارفیعا)

یک) محدث نوری از جامع الرواة درباره میرزارفیعا چنین نقل کرده است: «كان أفضل أهل عصره». ۲۲
این جمله را صاحب سلافة العصر (ص ۴۹۱) گفته است، نه جامع الرواة (ص ۲۱۳).

دو) میرزارفیعا شجره الهیة را به زبان فارسی نوشت و نسخه ای از آن را دیده ام. در خاتمه مستدرک و ریحانة الادب و الروضة النضرة بالالف و لام به صورت «الشجرة الالهية» نوشته اند که مسامحه است (ص ۲۱۴).

سه) صاحب سلافة (ص ۴۹۱) درگذشت میرزارفیعا را سال ۱۰۸۰ نوشته است.

محدث نوری از جامع الرواة سال ۱۰۹۹ نقل کرده است. در جامع الرواة ۱۰۷۹ نوشته شده است و عبارت چنین است: «توفی رحمة الله تعالی فی شهر شوال سنة ألف وتسع وسبعین». ۲۴
محدث نوری «سبعین» را تسعین خوانده است.

علامه تهرانی در الروضة النضرة سال های ۱۰۸۰ و ۱۰۹۹ را غلط دانسته است و تاریخ صحیح را هفتم شوال ۱۰۸۲ خوانده است؛ زیرا مطابق ماده تاریخ موجود بر سنگ مزارش در تخت فولاد اصفهان آمده است:

به تاریخ فوتش خردمند گفت
مقام رفیع مقام رفیع

اما معلوم نیست نصب سنگ مزبور به دست چه کسی و در چه تاریخ بوده است. صاحب سلافة نیز ساکن حجاز و دور از ایران بوده و فقط سال درگذشت را نوشته است و از ماه آن اطلاعی نداشته است. در مقام تعارض، سخن صاحب جامع الرواة مقدم است؛ زیرا شخصی محقق و معاصر میرزارفیعا و ساکن اصفهان بوده و از نزدیک شاهد حال او بوده است (ص ۲۱۴).

یادآوری: آقابزرگ در ذریعه (ج ۱۳، ص ۹۹) سال ۱۰۸۱ نوشته است.

رفیع بن فرج گیلانی

ر. ک به: ملارفیعا بن فرج گیلانی.

زین الدین بن علی بن احمد عاملی

ر. ک به: شهید ثانی.

زین العابدین رضوی خوانساری

میرزین العابدین رضوی خوانساری (م ۱۳۰۷ ق) ۴۲ نوراز

۲۲. الدر الفرید؛ ص ۳۸، خطی.

۲۳. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۹.

۲۴. جامع الرواة؛ ص ۲۲۲.

می گوید: «چون به خویره رفتم نزد عالم ادیب، شیخ حسین سبتی حویزی مشغول شد».

حذف کلمه «ابن» بین «حسین» و «سبتی» موهم آن است که «سبتی» لقب او بوده است؛ در حالی که نام پدر اوست (ص ۱۷۷).
سه) در اجازه کبیره ای که علامه سیدشهاب الدین مرعشی در ۱۳۷۵ ق با عنوان الدر الفرید فی نبذ من الاسانید برای نگارنده نوشته است، از قول میرمحمدحسین بن محمدصالح خاتون آبادی، نامبرده را از مشایخ سید نعمت الله جزائری شمرده است؛ ۲۲ در حالی که او استاد مقدمات سید بوده است (ص ۱۷۸).

حسین بن علی بن افراسیاب

حسین پاشا بن علی پاشا بن افراسیاب پاشا دیری در سال ۱۰۷۸ ق علیه سلطنت آل عثمان طغیان کرد و اعتنایی به دستورهای دربار اسلامبول نمی کرد.

در تحفة العالم (ص ۸۷) سال ۱۰۷۹ و در شجره طیبه، سال ۱۰۷۰ ذکر شده است که هر دو غلط است؛ صحیح ۱۰۷۸ است. در اجازه کبیره (ص ۷۳) به آن تصریح شده است که همان صحیح است؛ زیرا صاحب اجازه مقدم بر آن دو بوده است (ص ۳۲).

حسین بن محمدتقی نوری

ر. ک به: محدث نوری.

خاکی خراسانی

منتخب دیوان خاکی خراسانی به مباشرت ایوانف روسی در سال ۱۹۳۳ م / ۱۳۵۲ ق به چاپ رسید. شیخ آقابزرگ این کتاب را در ذریعه (ج ۹، ص ۲۸۱) به عنوان «دیوان خاکی خراسانی» معرفی کرده است؛ حال آنکه باید در حرف میم معرفی می کرد؛ سال چاپ آن را نیز به اشتباه ۱۳۵۹ ضبط کرده است (ص ۴۹۳).

خلف بن عبدالمطلب موسوی مشعشی

ر. ک به: علی خان بن خلف بن عبدالمطلب موسوی مشعشی.

رضا اصفهانی (عیشی)

از وادی ایمن معلوم می شود میرزارضا اصفهانی - متخلص به عیشی - حدود ۱۲۳۵ درگذشته است. فرهنگ سخنوران (ص ۴۱۳) درگذشت او را به اشتباه ۱۲۰۶ نوشته است (ص ۴۵۸).



سید شفیع نام داشته، نه سید نعمت الله. داستان مذکور از صفحه ۱۴۰ به بعد در تحفة العالم است (ص ۴۲۳-۴۲۴).

شمس الدین بن صفر بصری جزائری

یک در اجازه کبیره در شرح حال شمس الدین بن صفر (م ۱۱۴۰ ق) آمده است: «سافر إلى الهند مع أبيه وتهذبت أخلاقه» ۲۶ در پاورقی نوشته است: «هكذا وردت العبارة في كلا النسختين والظاهر أن الصحيح لتهديب أخلاقه».

این استظهار بی مورد است و تاکنون شنیده نشده است کسی برای تهذیب اخلاق به هند سفر کند و نیز «کلتا النسختين» درست است نه «کلا النسختين» (ص ۲۶۹).

دو در یک نسخه اجازه کبیره «تجاوز عمره السبعين» و در نسخه دیگر «التسعين» است. ظاهر آدمی درست است؛ زیرا او معمر بود و در اهل الأمل (تألیف ۱۰۹۷) ذکر او آمده است (ص ۲۶۹).

سه در چاپ الکوکب المنتشره (ص ۳۵۱) عبارت را «السبعين»، بدون اشاره به نسخه بدل آن، نقل کرده است و با استناد به آن، تولد وی را حدود ۱۰۷۰ نوشته است که مسامحه، بلکه اشتباه است (ص ۲۶۹).

شهاب الدین بن محمود مرعشی نجفی

عالم نسابه مرعشی نجفی الدر الفرید فی نبذ من الاسانید را در ۱۳۷۵ ق برای اینجانب نوشت. در ذریعه (ج ۱۲، ص ۲۱۵) به اشتباه ضمن «السلسلات» ذکر شده است؛ حال آنکه باید در حرف میم با عنوان «المسلسلات» باشد (ص ۳۷۶).

شهید ثانی

فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، صص ۱۳۳ و ۱۸۲) و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ج ۱، ص ۱۱۵) نام شهید ثانی را به صورت زین الدین علی نوشته اند؛ در حالی که زین الدین بن علی درست است (صص ۸۳ و ۴۷۹).

یادآوری: علاوه بر دو مصدر فوق، در منابع فراوان دیگر نیز به صورت «زین الدین علی» ضبط شده است؛ از جمله کشف الحجب والاسرار (صص ۹ و ۴۴ و ۸۲ و ...)، هدیه العارفين (ج ۱، ص ۲۹۰) و بحار الانوار (ج ۱۰۷، ص ۱۰۴).

شیخ انصاری

یک شیخ مرتضی انصاری متولد ۱۲۱۴ است. در طبقات الاجازات بالروایات (ص ۴۰۴) سال ۱۲۱۱ آمده است که غلط است (ص ۸۲).

دو در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۳۲)

۲۵. ذریعه؛ ج ۴، ص ۸۲.

الانوار النعمانیه، تألیف سید نعمت الله جزائری را در سال ۱۲۹۶ ق به فارسی ترجمه کرده است که چاپ شده است.

علامه تهرانی ترجمه را به شیخ محمد تقی بن عبدالرحیم تهرانی نسبت داده است؛ ۲۵ با اینکه عبارت آغاز نسخه چنین است: «چنین گوید بنده مجرم عاصی محمد تقی بن محمد باقر بن محمد تقی». تاریخ ترجمه ۱۲۹۶ ق است؛ حال آنکه شیخ محمد تقی بن عبدالرحیم در ۱۲۴۸ ق در گذشته است.

این ترجمه از آن محمد تقی بن محمد باقر هم نیست؛ بلکه به طور قطع، از میرزین العابدین خوانساری است. در نور ۳۱ می گوید: «نسب مترجم - عفا الله عنه - بدین طریق است: میرزین العابدین بن سید حسن ...».

دست عمد کلمه «مترجم» را محو کرده است و به جای آن با مرکب سیاه و شبیه چاپ، کلمه «کاتب» را نگاشته است و توجه نداشته که نام کاتب در آخر نسخه، میرزا محمد است نه زین العابدین و ذکر نسب او در اثنای کتاب بی مورد است (ص ۴۸-۴۹).

سید محمد مجاهد بن علی طباطبایی

ر. ک به: محمد مجاهد بن علی طباطبایی.

شاهمیر

فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۶۶۳) به غلط «شاهمیر» نوشته است، که «شاهمیر» صحیح است (ص ۴۸۰).

شرف الدین بن اسماعیل بن ابوبکر

عنوان کتاب الشرف الوافی تألیف شرف الدین بن اسماعیل در پنج علم است. فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۳۷۵) آن را به اشتباه «الموشحات» نامیده است و نام عروض آن را «الافتنه» معرفی کرده است. شرف الدین در عروض گفته است: «فهذا الكتاب ألفتُه في العروض» و فهرست نویس، آن را عنوان پنداشته و آن گونه تصحیف شده است (ص ۴۷۹).

شفیع بن ابوطالب بن نورالدین جزائری

مدرس چهاردهمی در تاریخ روابط ایران و عراق (ص ۱۴۳) به نقل از تحفة العالم آورده است: در واقعه بصره در قرن سیزدهم، برادر صاحب تحفة که سید نعمت الله جزائری نام داشته است، واسطه صلح شد.

این مطلب نادرست است؛ زیرا برادر صاحب تحفه،

حیات از منزل فانی به عالم باقی خواهد کشید... از قضا بعد از چهار، پنج ماه حضرت مؤمنی الیه مریض شده و در عرض یک هفته به رحمت ایزدی واصل شد.

پس آنها که وفات او را ۱۰۳۱ دانسته اند، اشتباه کرده اند (ص ۱۱۴).

یادآوری: مصادر فراوان سال ۱۰۳۱ ضبط کرده اند؛ از جمله: ذریعه (ج ۲، ص ۷۹ و ج ۵، ص ۶۲)، اعیان الشیعه (ج ۱، ص ۱۴۸ و ۱۷۷) و الغدیر (ج ۴، ص ۱۸۹).

(دو) نویسنده کتاب کتابخانه ملی ایران (چاپ ۱۳۵۲ ش) عکس صفحه آخر نسخه ای از اربعین شیخ بهایی مورخ ۱۰۵۲ را آورده است و آن را خط مؤلف دانسته است. شیخ بهایی ۲۲ سال پیش از این تاریخ، در گذشته است (ص ۱۱۵).

سه) وفات مجلسی اول در سال ۱۰۷۰ بود و چندین ماده تاریخ برای آن گفته اند؛ از جمله «افسر شرع اوفتاد و بی سرو پا گشت فضل» و عکس این مصراع که مطابق ۱۰۳۰ است تاریخ وفات شیخ بهایی است: «افسر فضل اوفتاد و بی سرو پا گشت شرع». ۲۷

در اعیان الشیعه (چاپ یازدهم جلدی) در وفات شیخ بهایی فرموده است: نمی دانم چگونه این مصراع مطابق وفات او است؟ جواب آن است که پس از افتادن فاء «فضل» و اول و آخر «شرع»، سه حرف باقیمانده «ض ل ر»، مطابق تاریخ ۱۰۳۰ است (ص ۱۷۰).

چهار) شیخ بهایی بعد از نگارش صمدیه آن را تهذیب کرد و «تهذیب البیان» نامید و ضمن مجموعه ای، در هند چاپ شد. ۲۸ این کتاب در لاهور در سال ۱۳۳۰ با عنوان «تهذیب النحو» با رساله مائة عامل چاپ شده است، اما مؤلف در متن کتاب آن را «تهذیب» نامیده است (ص ۱۱۴).

یادآوری: حجت الاسلام جزائری در متن کتاب نوشته است: شیخ بهایی کتابش را «تهذیب البیان» نامید، اما در پاورقی نوشته است: آن را «التهذیب» نامید. ندانستیم چگونه این دو قابل جمع است.

شیخ جعفر شوشتری

ر. ک به: جعفر بن حسین شوشتری.

شیخ حر عاملی

یک) شیخ حر عاملی قبل از اقامت در مشهد، در شیراز و

۲۶. اجازه کبیره؛ ص ۱۴۱.

۲۷. روضات الجنات؛ ص ۱۳۱. ریحانة الادب؛ ج ۳، ص ۴۶۲. اعیان الشیعه؛ ج ۴۴، ص ۲۱۸ و ج ۹، ص ۲۳۴.

۲۸. ذریعه؛ ج ۴، ص ۵۰۹ و فهرست کتب چاپی عربی؛ ص ۲۲۹.

حاشیه شیخ بر ترجمه نجات العباد را نام برده، ولی از رساله های عملیه جداگانه او نام نبرده است؛ مانند رساله چاپ ۱۲۶۹، جواهر المسأله، سراج العباد، صراط النجاة و منتخب آن، مجموعه الهدایه (چاپ یزد در ۱۲۷۷، مذکور در فهرست عربی مشار، ص ۸۰۶)، رساله مستقل در برائت و احتیاط.

همچنین به مسائل احتیاطی شیخ که سیدحسین کوهکمری در رساله جداگانه ای در زمان حیات شیخ آنها را جمع کرده است اشاره ندارد؛ همچنین از جواب های شیخ به چهارده مسئله زردشتی ها که ضمن رساله اظهار سیاحت ایران، تألیف مانکچی ملقب به درویش فانی، در بمبئی در سال ۱۲۸۰ چاپ کرده اند، اطلاعی نداشته است (ص ۸۳-۸۴).

سه) کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۶۹) شاگردان شیخ را ذکر کرده است، اما بسیاری از آنان را نوشته است؛ مانند شیخ علی بن محمد بن صالح شوشتری که در سفر و حضر ملازم شیخ بود و در نقباء البشر (ص ۱۵۲۳) مذکور است؛ همچنین امام قلی بن حسین قلی قوابلی مازندرانی معروف به ملا امام صاحب جنة الحواس فی رفع الودسواوس و رساله ای در حقیقت شیطان و حکمت خلق آن و... (ص ۸۴).

چهار) شیخ انصاری در سال ۱۲۸۱ وفات یافت. در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۲۰۱ و ج ۱۰، ص ۱۲۷۹) سال ۱۲۸۴ مضبوط و اشتباه است (ص ۸۲).

شیخ بهایی

یک) بنا به نوشته حاجی بابای قزوینی- شاگرد شیخ بهایی- در مشکول (ص ۳۱۷) شیخ در سه شنبه ۱۲ شوال ۱۰۳۰ وفات یافت و شاگرد شخص آگاه تر از دیگران است. تذکره نصرآبادی (ص ۱۵۱) و حاشیه اجازه کبیره هم درگذشت او را ۱۰۳۰ نوشته اند.

ملا مظفر بن محمد قاسم منجم- معاصر شیخ بهایی- در باب چهارم تنبیهات المنجمین می گوید: «در سنه یک هزار و سی و هجریه باز مریخ در برج عقرب راجع شد. بعد از تفکر و تدبیر بسیار از ضعف و تباهی حال مشتری در آن وقت به خاطر کمینه رسید که شخصی از علما فوت شود که از آن وهنی به مذهب راه یابد و چون افضل و اکمل آن زمان شیخ بهاء الملة والدين العاملی- رحمه الله- بود، ظن این فقیر غالب شد که جناب شیخ رخت



شش) بروکلیمان آلمانی، درگذشت شیخ حر را در ۱۰۷۳ نوشته است. او بعداً به غلط بودن آن پی برد و آن را به ۱۰۹۹ اصلاح کرد که آن هم غلط است.^{۳۰} (ص ۲۱۱).

شیخ صدوق

شیخ صدوق در سال ۳۸۱ وفات یافت؛ اما در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۱۱۹۱) سال ۳۵۴ نوشته شده است (ص ۴۸۰).

شیخ مفید

در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۵۲۰) ترجمه اختصاص مفید در ریاضیات معرفی شده است؛ حال آنکه اختصاص، در موضوع امامت است (ص ۴۸۰).

صالح بن عبدالکریم کرزگانی بحرانی

یک) صالح بن عبدالکریم کرزگانی بحرانی (م ۱۰۹۸ ق) رساله‌ای در جباثر دارد.^{۳۱} کتاب در مبحث وضو است. محدث نوری و کنتوری به اشتباه آن را «جناثر» با جیم و نون و زاء که از مباحث نماز است، نوشته‌اند.^{۳۲} (ص ۱۸۵-۱۸۶).

یادآوری: هر چند در غسل نیز بحث جبیره مطرح است، اما معمولاً فقها در مبحث وضو از جبیره سخن می‌گویند.

دو) «کرزگان» با کاف و راء و زاء و کاف مشدد، ضبط شده است،^{۳۳} ولی در خاتمه مستدرک الوسائل، بر اثر غلط چاپی، زاء مقدم بر راء است (ص ۱۸۶).

طالب بن اسماعیل بن افضل

ر. ک به: افضل بن عبدالله.

عباس بن علی بن حیدر عاملی

نزهة الجلیس اثر سیدعباس عاملی است که در مصر و نجف چاپ شد. در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۱۹۲۸) نزهة المجالس نوشته شده است (ص ۴۸۱).

عباس بن محمدرضا بن ابوالقاسم قمی

یک) تاریخ تولد حاج شیخ عباس قمی معلوم نیست. خودش در فواید رضویه (ج ۱، ص ۲۲۰) فرموده است: ظاهراً ۱۲۹۴ بوده است، اما صاحب اجازات المشایخ، حاج شیخ عباس رانهمین شیخ خود قرار داده است و نام نیای او را به جای ابوالقاسم، رمضان و ولادت او را دوازدهم جمادی الثانی

۲۹. ذریعه؛ ج ۱۱، ص ۲۶۳ و اعیان الشیعه؛ ج ۴۴، ص ۶۴.

۳۰. الاعلام؛ ج ۶، ص ۳۲۲.

۳۱. لؤلؤة البحرين؛ ص ۶۸. انوار البدرین؛ ص ۱۲۷ و ذریعه؛ ج ۵، ص ۷۹.

۳۲. ر. ک به: خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۳۸۹ و کشف الحجب والاستار؛ ص ۲۵۳.

۳۳. ر. ک به: لؤلؤة البحرين؛ ص ۶۹ و انوار البدرین؛ ص ۱۲۷.

اصفهان بود. از شیخ محمد جزائری در حاشیه روح الجنان نقل شده است: شیخ حر را در شیراز به سال هزار و نود و اندی (نیف و تسعین و الف) ملاقات کردم؛ سپس ساکن مشهد شد و در آنجا به سال ۱۰۹۹ ق، در درس و سائل او حضور یافتیم.^{۲۹}

بنابه نوشته شیخ حر در فایده نهم از فواید آخر اهل الأمل (ص ۳۷۰) سال سکونت او در مشهد ۱۰۷۳ ق است. به نظر می‌رسد شیخ محمد در سال هزار و شصت و اندی در شیراز او را دیده و عبارت «نیف و تسعین» تصحیف «نیف و ستین» است (ص ۲۰۴).

دو) صاحب سلافة العصر (ص ۳۵۹) شرح حال شیخ حر عاملی را ذکر کرده است و در صفحه بعد در شرح حال عمومی او محمدبن علی، وی را شاعری ادیب خوانده و نمونه‌ای از شعر او را آورده است. صاحب خلاصة الاثر، شرح حال شیخ حر را از سلافة نقل کرده است، اما به اشتباه، مطالب مربوط به عمومی او را در شرح حال خود شیخ حر آورده و عبارت او مضطرب و نامفهوم است (ص ۲۰۵-۲۰۶).

سه) فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۱۷۵۶ و ۱۸۳۴) اهل الأمل را که در نجف با تحقیق دوست معاصر ما آقای سیداحمد حسینی اشکوری چاپ شده است، چاپ بغداد و «حسینی» را «حسنی» نوشته است (ص ۴۸۰).

چهار) اهل الأمل دو جلد است: جلد اول مخصوص عاملی‌ها و جلد دوم مخصوص دیگران است و جلد دوم را تذکرة المتبحرین نامیده است. در هر دو چاپ سنگی و حروفی، تحریف و تصحیف وجود دارد. روی جلد دوم نیز «اهل الأمل» نوشته‌اند (ص ۲۰۸).

یادآوری: شیخ حر در مقدمه اهل الأمل می‌نویسد: «سمیته اهل الأمل فی علماء جبل عامل وإن شئت فسمه تذکرة المتبحرین فی العلماء المتأخرین وإن شئت فسم القسم الأول بالاسم الأول والقسم الثانی بالقسم الثانی».

بنابراین، اگر کسی جلد دوم را نیز «اهل الأمل» بنامد، مرتکب تحریف و تصحیف نشده است.

پنج) فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۱۸۳۳ و ۱۹۴۰) وفات شیخ حر را که در ۱۱۰۴ بوده، ۱۱۲۴ درج کرده است (ص ۴۸۰).

در چاپ سلافة العصر «اوالی» به «ولی» تصحیف شده است، محدث عاملی شرح حال او را از سلافة نقل کرده، اما کلمه «اوالی» را انداخته و فقط فرموده است: اهل بحرین است. مصحح امل الآمل در پاورقی گفته است این شخص در سلافة ملقب به ولی بحرانی است. ۳۵ علامه امین نیز شرح حال او را با لقب «ولی» آورده است ۳۶ (ص ۵۸-۶۰).

(دو) حواشی امل الآمل از آثار سیدنعمت الله جزائری است. شیخ آقابزرگ تهرانی فرموده است: صاحب ریاض در شرح حال سید عبدالرضا- مصاحب سیدنعمت الله جزائری در شیراز و شوشتر- از حواشی سیدنعمت الله نقل کرده است. ۳۷ اما در حواشی سید بر امل الآمل مطلبی در مورد عبدالرضا نیست. پس از چاپ و انتشار ریاض العلماء (ج ۳، ص ۱۱۶) اشتباه آن معلوم شد؛ زیرا در آنجا از امل الآمل نقل کرده است، نه از حواشی سید.

سید عبدالرضا اهل اوال از روستاهای بحرین است و صاحب سلافة شرح حال او را آورده، اما به وجود او در شیراز و شوشتر اشاره نکرده است. ۳۸ معلوم نشد آقابزرگ از کجا مصاحبت او با سید در این دو شهر را نقل کرده است (ص ۵۸-۵۹).

عبداللطیف بن ابوطالب بن نورالدین بن نعمت الله جزائری (یک) منتخب التواریخ (ص ۸۰۱) عبداللطیف- صاحب تحفة العالم- را سبط قاضی نورالله شوشتری خوانده است؛ در حالی که او سبط سیدنعمت الله جزائری است (ص ۴۵۹).

(دو) در اعیان الشیعه (ج ۳۸، ص ۸۷) فرموده است: عبداللطیف، تحفة العالم- بکسر لام- را به نام عمه زاده خود سید ابوالقاسم نوشته است.

اولاً، به فتح لام درست است و ثانیاً، سید مزبور عموزاده او بوده نه عمه زاده اش؛ زیرا فرزند سید رضی الدین بن سیدنورالدین بوده است (ص ۴۵۹).

سه) آقای دوانی میرعالم (سید ابوالقاسم) را عموی میرعبداللطیف دانسته است؛ حال آنکه عموزاده او بوده است (ص ۴۵۹).

عبداللطیف کازرونی نجفی

مرآة الانوار و مشکاة الاسرار، از آثار شریف در تفسیر قرآن است. محدث نوری مقدمه آن را استنساخ کرد و در سال ۱۲۹۵

۳۴. سلافة العصر؛ ص ۵۱۷.

۳۵. امل الآمل؛ ج ۲، ص ۱۴۸.

۳۶. اعیان الشیعه؛ ج ۳۸، ص ۲۴ و چاپ یازدهم جلدی، ج ۱۱، ص ۸.

۳۷. ذریعة؛ ج ۶، ص ۲۵.

۳۸. سلافة العصر؛ ص ۵۱۷.

۱۲۹۵ نوشته است (ص ۴۷۶).

(دو) نخستین تألیف محدث قمی، فواید الرجیبه است که در ۱۳۱۵ از روی خط او چاپ شد. بعد از آن الدررة الیتیمة تتمیم الدررة الثمینة شرح نصاب الصبیان است که در ۱۳۱۶ به چاپ رسید. علامه تهرانی نام آن را نصاب الصبیان نوشته و گمان کرده است، این اثر اولین تألیف اوست (ص ۴۷۷).

عباس عزاوی

در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۲۰۰۷) عنوان کتاب عزاوی «تاریخ فی العراق» نوشته شده است، اما کتاب عباس عزاوی «تاریخ العراق بین احتلالین» نام دارد (ص ۴۸۱). یادآوری: در ذابغه فقه و حدیث (ص ۳۱) عنوان کتاب عزاوی به صورت «تاریخ العراق بین الاحتلالین» با الف و لام در «احتلالین» نوشته شده است؛ حال آنکه عزاوی در پایان جلد اول و هشتم از کتاب خود نام برده است و «احتلالین» بدون الف و لام است.

عبدالباقی بن عبدالباقی دمشقی

تاریخ تولد عبدالباقی دمشقی معروف به «ابن فقیه فضیه» و «ابن بدر» در خلاصه الاثر، سال ۱۰۰۵ در مدینه مضبوط است. بغدادی و زرکلی و کحاله دیگر مورخان اهل سنت نیز با پیروی از او در اشتباه افتاده اند. توضیح آنکه عبدالباقی در دیباجه عقد الفرائد چنین می گوید: «... لما كنت فی العام الخامس بعد الالف فی طیبة (المدینه) الطیبة المصطفویة مجاوراً...».

ملاحظه می شود که وی در تاریخ مزبور ساکن مدینه بوده است. نه اینکه در آن جا تولد یافته باشد (ص ۲۱۱).

عبدالحسین بن فاضل هاشمی

شرح حال سید عبدالحسین در هدیه الرازی (ص ۱۱۰) و نقباء البشر (ج ۳، ص ۱۰۶۸) آمده است. کتاب اخیر با اینکه نسب او را درست نوشته، فرموده است: پدر او از بزرگان علما و معروف به سید محمد قاضی بوده که اشتباه است؛ زیرا سید محمد قاضی نیای او بوده است (ص ۳۰۰).

عبدالرضا بن عبدالصمد بحرانی اوالی

(یک) سید عبدالرضا بن عبدالصمد حسینی بحرانی اوالی، اهل اوال از روستاهای بحرین است و صاحب سلافة العصر شرح حال او را در علمای بحرین و عراق ذکر کرده است. ۳۴



ذیل اجازه سید عبداللّه چنین آمده است .

بدیهی است چنین تعبیری، اشتباه و اشتباه آور است (ص ۴۴۷).

دو) فاضل معاصر شیخ ذبیح اللّه محلاتی در کتاب اختران تابناک (ص ۵۳۱) ضمن شرح حال سید نعمت اللّه می گوید: «سید نورالدین و پسرش سید عبداللّه از بزرگان علماء عصر خود محسوب می شدند. در کتاب ریحانة الادب تعداد شانزده کتاب از کتاب های سید نورالدین را نام می برد. وی در ۱۳۰۱ ق از دنیا رفت.»

این عبارت دارای چند اشتباه است:

۱. به نسبت سید نورالدین با سید نعمت اللّه هیچ اشاره ای ندارد؛

۲. کتب مذکور از سید عبداللّه است و صاحب ریحانة به سید نورالدین نسبت نداده است؛

۳. تاریخ مذکور نادرست است. چگونه کسی که وفاتش در ۱۱۱۲ است، فرزند یا نوه اش تا اوایل قرن چهاردهم زنده مانده باشد؟ (ص ۴۱۷)

عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی

در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۵۰۸) یتیمه الدهر ثعالبی در آداب و اخلاق معرفی شده است (ص ۴۸۰). یتیمه الدهر در شعر و شاعران است.

عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی

یک) محدث نوری و شاگردش محدث قمی و علامه امین و صاحب تجلیات، نام شیخ عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی را علی نوشته اند^{۳۳} و منشأ اشتباه، محدث نوری است. علامه تهرانی اشتباه دیگری کرده و او را شاگرد سید نعمت اللّه پنداشته است؛ در حالی که او استاد و شیخ سید بوده است^{۳۴} (ص ۱۹۱).

سید نعمت اللّه جزائری در اجازه به حسین بن محیی الدین و نیز صاحب ریاض العلماء (ج ۳، ص ۱۷) و صاحب امل الآمل (ج ۲، ص ۱۵۴) از او به صورت «عبدعلی» نام برده اند (ص ۱۸۸ - ۱۹۰).

۳۹. اعیان الشیعه؛ ج ۳۸، ص ۸۸.

۴۰. النقض؛ ص ۱۷۰.

۴۱. عمدة الطالب؛ ص ۲۱۲.

۴۲. تاریخ جغرافیایی خوزستان؛ ص ۸ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری؛ ص ۵.

۴۳. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۵. الکنی واللقاب؛ ج ۲، ص ۲۹۸. اعیان الشیعه؛ ج ۵۰، ص ۲۳ و تجلیات؛ ج ۱، ص ۶۴.

به عنوان مقدمه تفسیر برهان چاپ شد؛ اما مقدمه را به شیخ عبداللطیف کازرونی نجفی نسبت دادند. علامه امین که به این نکته توجه نداشته است، آن را از این شیخ که وجود خارجی نداشته، دانسته است^{۳۹} (ص ۲۴۳ - ۲۴۴).

یادآوری: سید محسن امین در جای دیگر، به این نکته توجه داشته است. در چاپ جدید اعیان الشیعه (یازده جلدی، ج ۷، ص ۳۴۳) آمده است: به غلط در چاپ مرآة الانوار، نام کازرونی را نوشته اند. این تذکار در ذریعه (ج ۲۰، ص ۲۶۴) نیز آمده است.

عبداللّه بن امام کاظم (ع)

یک) بارگاهی در زمان ما در شهر گرگان به او منسوب است که مدرکی تاریخی برای صحت آن به نظر نرسیده است، بلکه تصریح النقض^{۴۰} تألیف عبدالجلیل قزوینی (ق ۶) و پاورقی عمدة الطالب^{۴۱} به وجود مرقد او در آبه - از روستاهای ساوه - دلیلی روشن و کافی در بطلان این بارگاه مزعوم در گرگان است (ص ۳۴۵).

دو) صاحب مراقد المعارف (ج ۲، ص ۴۶) قبری را در غماس نزدیک دیوانیه عراق، به عبداللّه بن کاظم نسبت داده است که مقصود امام هفتم نیست، بلکه یکی از اعقاب اوست که نسبش مجهول است و کاظم نام داشته است (ص ۳۴۵).

عبداللّه بن حسن مقابی

فاضل ادیب، سید حسن امین در مستدرکات اعیان الشیعه (ج ۲، ص ۱۶۷) به نقل از تاریخ بحرین خطی، به شخصی به نام شیخ عبداللّه بن حسن مقابی از شاگردان سید نعمت اللّه جزائری در شیراز اشاره کرده و تاریخ ولادت او را ۱۰۳۷ و وفاتش را ۱۲۳۰ یاد کرده است؛ اما چنین کسی را نمی شناسیم و در دو تاریخ یادشده هم سهو واضح دیده می شود؛ با این حساب ۱۹۳ سال عمر کرده است (ص ۳۲۵).

عبداللّه بن نورالدین بن نعمت اللّه جزائری

یک) سید عبداللّه (۱۱۱۲ - ۱۱۷۳ ق) صاحب اجازه کبیره است. بعضی از آن به «اجازات» - به صورت جمع - تعبیر کرده اند که اشتباه است.^{۴۲}

صاحب اعیان الشیعه آن را با عنوان «ذیل اجازه» نوشته است و شرح حال هرکس را از آن نقل کرده، فرموده است: در

تطبیق کرده، گفته است: میر محمدباقر مجلسی در ۱۱۱۰ ق در گذشت؛ بر طبق ماده تاریخ «حزنون و غمون».

این تطبیق غلط است؛ زیرا مجلسی را «شیخ» یا «میرزا» گفته اند، نه «میر» که ظاهر آسیادت او را می رساند. ماده تاریخ مذکور مطابق ۱۲۲۳ می باشد و صحیح «حزن و غم» مطابق ۱۱۱۱ است که به نظر بعضی سال در گذشت مجلسی است؛ هر چند این تاریخ درست نیست. ملاباشی مذکور میر محمدباقر خاتون آبادی است (ص ۱۵۶).

چهار) خلاصه قضیه ای در مورد علامه مجلسی و سیدنعمت الله جزائری در روضات الجنات (ص ۱۲۳) و منتخب التواریخ (ص ۷۱۱) بدین قرار است:

یکی از فضیلتی نجف از اجازة سیدنعمت الله نقل کرده است: علامه مجلسی نسبت به ظاهر خود و منسوبان، از نظر پوشیدن لباس های فاخر و حفظ زیبایی و شکوه ظاهر، مقید بود و این مرا متاثر کرده بود؛ زیرا ائمه هدی (علیهم السلام) علاقه ای به دنیا نشان نمی دادند و روش علامه مجلسی با رفتار آنان سازگار نبود.

یک روز خصوصی موضوع را با وی در میان گذاشتم و در این باره سخنانی بین ما رد و بدل شد. جواب او قانع کننده نبود. پیشنهاد کردم: با خدای خود پیمان بندیم که هر کدام زودتر از دنیا رفتیم، در خواب آنچه بر او گذشته، به دیگری خبر دهد. او پذیرفت.

پس از چند روز علامه مجلسی در اثر بیماری در گذشت. پس از یک هفته، بر مزار او گریه کردم و فاتحه خواندم. پس از این مراسم، خواب بر من غالب شد. در خواب دیدم که علامه مجلسی با بهترین لباس و صورت نیکو کنار قبر ایستاده است. یادم آمد که وفات یافته است. سلام کردم و دو انگشت شست او را گرفتم و به او گفتم: سرور من، وقت وفا به عهد رسیده است. آنچه پس از مرگ به سرت آمده، مرا خبر ده. گفت که یک چیز باعث نجات وی گشته است. شخصی در اصفهان بدهکار بود و طلبکاران او را گرفته، حقیقتان را می خواستند؛ اما او چیزی نداشت و او را کتک می زدند. علامه قرینه الی الله او را از شر آن عده نجات داد و خداوند همین کار را از او قبول کرد و به وسیله آن، مشمول الطاف ربانی شد.

نشانه های جعل، در این داستان آشکار است. ناقل معین نکرده که سیدنعمت الله این مطلب را در کدام اجازة نوشته

۴۴. ذریعه؛ ج ۹، ص ۶۹۱. ۴۵. امل الآمل؛ ج ۲، ص ۱۵۴.

۴۶. ترجمه زهر الربیع؛ ص ۳۶۷.

۴۷. امل الآمل؛ ج ۲، ص ۲۴۹.

دو) تاریخ در گذشت شیخ عبدعلی راروی جلد نورالثقلین، سال ۱۱۱۲ نوشته اند؛ ولی بی مدرک و غلط است. تاریخ قطعی را نمی دانیم؛ اما بین ۱۰۸۹ و ۱۰۹۷ بوده است؛ زیرا ظاهر انوار النعمانیة (تألیف ۱۰۸۹) دلالت بر حیات و ظاهر امل الآمل (تألیف ۱۰۹۷) دلالت بر ممات او دارد (ص ۱۹۱).

عبارت امل الآمل چنین است: «الشیخ الجلیل عبدعلی بن جمعة العروسی الحویزی الساکن بشیراز، کان عالماً فاضلاً...»^{۴۵} (ص ۱۸۸).

یادآوری: در مقدمه نور البراهین (ج ۱، ص ۲۶) سال ۱۰۷۵ نوشته شده است.

علامه حلی

یک) علامه حلی در سال ۷۲۶ وفات یافت؛ اما در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱۰، ص ۱۸۷۹) ۸۲۶ نوشته شده است (ص ۴۸۰).

دو) در همان مصدر آمده است: نهیة الوصول وی در ایران در دو مجلد به چاپ رسیده؛ در حالی که چاپ نشده است (ص ۴۸۰).

سه) در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۶۲۸) کشف الحق نوشته است؛ حال آنکه عنوان کتاب علامه حلی کشف الحق است (ص ۴۸۰).

علامه مجلسی

یک) ولادت علامه مجلسی در ۱۰۳۷ بوده است و ماده تاریخ آن «جامع بحار الانوار» است. ۴۶ در موارد التواریخ (ص ۲) عبارت مذکور به صورت «جامع بهار الانوار» و مطابق ۱۰۳۴ نوشته شده است (ص ۱۵۳).

دو) معاصری که چاپ حروفی امل الآمل را در نجف اشرف تصحیح کرده است، از اعیان الشیعة ولادت مجلسی را سال ۱۰۲۷ نقل کرده است. ۴۷

تاریخ ولادت مذکور، غلط چاپی و صحیح آن ۱۰۳۷ است (ص ۱۵۵).

سه) در تذكرة الملوك (ص ۱) میر محمدباقر نامی را ذکر کرده است و گفته در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین به رتبه ملاباشیگری سرفراز شد.

مینورسکی - ناشر کتاب - این شخص را با علامه مجلسی



تاریخی مطابق ۱۱۱۰ در این مرثیه موجود است:

از اثر تاریخ جستم عقل گفت

قدوه اهل یقین رفت از میان

این ماده تاریخ ضمن شرح حال شاعر، در دانشمندان و سخن سرا یاران فارس (ج ۱، ص ۱۸۳) نقل شده است. (ص ۱۵۳-۱۵۵).

به دلیل طولانی بودن، از ذکر شعر خودداری کردیم. (شش) یکی از معاصران، وفات علامه مجلسی را سال ۱۰۳۰ نوشته است. به نظر می رسد غلط چاپی باشد یا با درگذشت شیخ بهایی مشتبه شده است^{۴۹} (ص ۱۵۵). هفت) فرهاد میرزا در زنبیل (ص ۱۳) ولادت مجلسی را ۱۰۴۱، وفاتش را ۱۱۱۱ و عمرش را هفتاد سال نوشته است که هر سه غلط است (ص ۱۵۶).

علی بن ابوالحسن موسوی عاملی

سیدعلی فرزند سیدحسین بود و با چند واسطه به سید ابوالحسن می رسد؛ مانند این بابویه که با چند واسطه به بابویه می رسد، اما واسطه ها را می اندازند.

صاحب اهل الأمل به این مطلب توجه نداشته است و او را دو بار با عنوان علی بن ابی الحسن^{۵۰} و علی بن حسین^{۵۱} نوشته است؛ در اعیان الشیعه (ج ۴۱، ص ۳۵۲ و ۲۶۵) نیز چنین است.

علی بن حجت الله طباطبایی شولستانی غروی

یک) محدث نوری^{۵۲} و به دنبال او محدث قمی^{۵۳} و علامه امین،^{۵۴} وفات سیدشرف الدین علی بن حجت الله را سال ۱۰۶۰ نوشته اند. این تاریخ اشتباه است؛ زیرا در سال ۱۰۶۳ برای شیخ شرف الدین علی بن جمال الدین مازندرانی اجازه ای نوشته است و این اجازه به خط او در مجموعه ای در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف موجود است؛ بنابراین او بعد از سال ۱۰۶۳ درگذشت (ص ۱۹۴).

دو) محدث نوری^{۵۵} و به دنبال او محدث قمی و علامه امین، سیدشرف الدین علی بن حجت الله را جزء مشایخ

۴۸. اعراف: ۳۲.

۴۹. فهرست نسخه های خطی فارسی؛ ج ۱، ص ۹.

۵۰. اهل الأمل؛ ج ۱، ص ۱۱۷.

۵۱. همان، ص ۱۱۸.

۵۲. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۵.

۵۳. الکنی واللقاب؛ ج ۲، ص ۲۹۸.

۵۴. اعیان الشیعه؛ ج ۵۰، ص ۲۳.

۵۵. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۵.

است. چنین داستانی در اجازاتی که سراغ داریم، نیست و خواب حجیت شرعی ندارد تا آن پیمان را ببندند و پیمان بستن بر امری خارج از اختیار و قدرت بشر، از دو دانشمند واقع نمی شود.

دیگر آنکه سید نعمت الله هنگام مرگ علامه مجلسی (۲۷ ماه رمضان ۱۱۱۰) مقیم شوشتر بود، نه اصفهان و گرفتن شست میت در خواب برای شنیدن حقایق و اسرار از او، معلوم نیست در روایات صحیح، تأیید شده باشد.

بر اساس این خواب موهوم، تمام خدمات ارزنده علامه مجلسی بی نتیجه بوده است و فقط کمک به آن بدهکار که ممکن بوده به دست غیر مسلمانی هم واقع شود، او را نجات داد!

از اینها گذشته، باصراحت آیه شریفه «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق»^{۴۸} شبهه ای در جواز به زیستی و استفاده از نعمت های پروردگار نیست و حکم آن بسی روشن است. از سید بزرگوار بسیار بعید و ناگوار است که در چنین موضوعی بر علامه مجلسی زبان انتقاد گشوده باشد.

اما رفتار امیر المؤمنین (ع) که به نان جو قناعت می نمود و نعلین را وصله می کرد تا جایی که از پنه دوز شرم داشت، در حال خلافت ظاهری، جهت مواسات با فقرا و رعایت حال مستمندان بود؛ به طوریکه خود بدان تصریح فرمود (ص ۴۲۹-۴۳۲).

پنج) علامه مجلسی در ۲۷ رمضان ۱۱۱۰ درگذشت. امور زیر، این تاریخ را تأیید می کنند:

الف) میرزا ابراهیم بن زین العابدین نصیری واقعه نویس عصر شاه سلطان حسین در دستور شهریاران (ص ۴)؛

ب) میر محمد صالح خاتون آبادی - داماد علامه - در حدائق المقربین؛ بنا به نقل روضات الجنات (ص ۱۲۲) و حاشیه اجازه کبیره؛

ج) ماده تاریخ هایی به نظم و نثر در وفات او که از همه بهتر بیت زیر است که در بردارنده روز و ماه و سال درگذشت است:

ماه رمضان که بیست و هفتش کم شد

تاریخ وفات باقر اعلم شد

د) لاری که اثرش «شفیعا» نام داشته و معاصر علامه می باشد، قصیده ای در مدح وی گفته است که در دیوان خطی او موجود است. ایشان در ثنائی علامه مرثیه ای گفته است و ماده

۱۱۰۰ نوشته است (ص ۴۷۳-۴۷۴).

دو) صاحب ریاض العلماء در شرح حال سیدعلی خان می گوید: گمان می کنم بیشتر فواید کتب سیدنعمت الله شوشتری، از تصنیفات این سید بزرگوار اخذ شده است. ۵۸

سیدعلی خان مایل به تصوف و متخصص در ادب و شعر بوده است؛ اگرچه از علوم دیگری بهره نموده است و احتمالاً مؤلفات او ستایش صوفیه را دربر داشته است و برعکس بیشتر آثار سیدنعمت الله جزائری در احادیث و اخبار و متضمن هجو صوفیه است. سیدنعمت الله فواید و تحقیقات را بعد از کلمه «أقول» و مانند آن بیان نموده که دلیلی آشکار بر اطلاع شخصی اوست و هر مطلبی را به صاحبش نسبت داده است؛ لذا نام معاصران او در مؤلفاتش بارها دیده می شود (ص ۱۳۴).

علی خان بن خلف بن عبدالمطلب موسوی مشعشی

یک) سیدعلی خان در ۱۰۸۸ درگذشت و این دو شعر ماده تاریخ درگذشت اوست:

از فوت علی والی والآفاق

دور عربان گرفته پرشور و نفاق

چون رفت علی ماده تاریخ بگو

ان الاعراب اشد کفرا ونفاق ۵۹

اگر از مصرع اخیر که مقتبس از قرآن مجید است، ۶۰ عدد ۱۱۰ که مطابق «علی» است، کم شود ۱۰۸۸ به دست آید (۱۰۸۸ = ۱۱۰ - ۱۱۹۸). «رفت علی» اشاره به این مطلب است.

در انوار النعمانیه (ص ۳۰۸) هم تاریخ درگذشت او چنین است: «انتقل الی جوار الله سنة الثامنة والثمانين بعد الالف». اما در چاپ اشتباهی رخ داده است: به جای «الثمانين»، «الخمسین» و بالای «الثامنة»، «الثانية» به عنوان نسخه بدل نوشته شده است که ۱۰۵۸ یا ۱۰۵۲ باشد.

براساس این اشتباه، محدث نوری، وفات سیدعلی خان را از قول سیدنعمت الله جزائری در ۱۰۵۸ نقل کرده است، سپس گفته: این تاریخ اشتباه است؛ زیرا سیدعلی خان در ۱۰۸۴ از تألیف نکت البیان فارغ شده است و منتخب التفسیر را در ۱۰۸۷ نوشته است و در سال ۱۰۵۲ صاحب انوار دو ساله بوده است. ۶۱

۵۶. ر. ک به: الکنی واللقاب؛ چاپ مکتبة الصدر، ج ۲، ص ۲۵۵-۳۵۶ و اعیان الشیعه؛ چاپ یازده جلدی، ج ۸، ص ۱۸۱.

۵۷. امل الأمل؛ ج ۱، ص ۱۲۹.

۵۸. ریاض العلماء؛ ج ۴، ص ۸۰؛ خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۶ و ریحانة الادب؛ ج ۱، ص ۳۶۱.

۵۹. الروضة النضرة؛ ص ۳۹۶.

۶۰. توبه؛ ۹۷.

۶۱. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۷.

سیدنعمت الله جزائری شمرده اند و این اشتباه است؛ زیرا ولادت سیدنعمت الله جزائری در سال ۱۰۵۰ بوده و او را به خوبی درک نکرده است (ص ۱۹۴).

یادآوری: اولاً، تاریخ درگذشت سیدشرف الدین علی در دست نیست و تنها می دانیم او در سال ۱۰۶۳ زنده بوده است و این به معنای این نیست که او در همان سال یا یکی، دو سال بعد درگذشته است. ممکن است ده سال بعد، از دنیا رفته باشد؛ از سوی دیگر سیدنعمت الله پیش از بلوغ نیز شخص برجسته ای بود و تاریخ برخی آثارش به آن زمان برمی گردد؛ بنابراین نباید کسب اجازه از سیدشرف الدین علی را بعید خواند.

ثانیاً، محدث قمی و علامه امین در شرح حال سیدشرف الدین علی، تنها در ذکر تاریخ درگذشت او به اشتباه ۱۰۶۰ نوشته اند و در مورد اینکه او شیخ سیدنعمت الله بوده، چیزی ننوشته اند. ۵۶

علی بن حسین بن عبدالعالی

ر. ک به: محقق کرکی.

علی بن محمد بن حسن بن شهید ثانی

بنا به نقل شیخ حر عالمی از کتاب الدر المنثور، تألیف شیخ علی، او در سال ۱۰۱۳ یا ۱۰۱۴ تولد ۵۷ یافت و وفاتش در سال ۱۱۰۳ یا ۱۱۰۴ واقع شد؛ پس یکصد سال عمر کرد. عجیب است که صاحب ریاض (ج ۴، ص ۱۹۸) که ولادت و وفات او را می دانسته، نوشته است: عمر طولانی نمود، بلکه به نود رسید (ص ۱۹۷).

یادآوری: از آقای جزائری با این همه دقت عجیب است که توجه نداشته ۱۱۰۳ منهای ۱۰۱۳ مساوی نود است.

علی خان بن احمد بن معصوم مدنی شیرازی

یک) تولد سیدعلی خان در کتاب سبحة المرجان سال ۱۰۵۲ نوشته شده است؛ ولی وفاتش در ۱۱۱۷ ضبط شده که اشتباه است و ۱۱۲۰ درست است؛ چنانکه در حاشیه اجازه کبیره مذکور است. در نزهة الجلیس (چاپ نجف، ج ۱، ص ۳۲۲) بین ۱۱۱۹ و ۱۱۲۰ مردد است.

محمدامین خاتجی که سلافة العصر را در مصر چاپ کرده است، در شرح حال مختصری که از مؤلف کتاب نوشته، چون از مدارک مزبور اطلاعی نداشته است، درگذشت او را بعد از



محدث قمی هم ۱۰۵۲ یا ۱۰۵۸ را با تردید نوشته و به سید نعمت الله جزائری نسبت داده است. ۶۲ آقای شبر نجفی معاصر هم پس از نسبت تاریخ ۱۰۵۲ به سید، همان ایراد محدث نوری را ذکر کرده است. ۶۳

نسبت دو تاریخ ۱۰۵۸ و ۱۰۵۲ به سید نعمت الله غلط است؛ زیرا تولد او در ۱۰۵۰ بوده و خود سید گفته است همه ساله با سید علی خان مکاتبه داشته است. ۶۴ چگونه ممکن است طفل دو ساله یا هشت سال طرف مکاتبه باشد؟! همین، دلیل آن است که آن دو تاریخ را نوشته و غلط چاپی است. شرح حال سید علی خان در کتب تراجم موجود است ۶۵ (ص ۱۳۶-۱۳۷).

دو) در نجوم السماء (ص ۴۰) پدر سید علی خان را سید خلیفه نامیده که اشتباه است (ص ۱۳۷).

عمادالدین یزدی

شیخ عمادالدین یزدی از استادان حکمت و منطق و ریاضیات سید نعمت الله جزائری بود. سید درباره اش می گوید: «کان شیخنا عمادالدین الیزدی - قدس الله روحه - من الحكماء المتألهین و غیر کثیراً من مسائل المنطق والحکمة عن وضعها السائر بین أهل الفن وقرره علیه جماعة من علماء العصر». ۶۶

آن گاه افزوده است: ملازم او در درس حکمت بودم. موقعی که از نجف اشرف به اصفهان آمد، نزد او بسیاری از کتاب ها و رسائل او در حکمت و منطق و ریاضیات و غیر آنها را خواندم. روزها نان خشک می خورد و فقط روزهای جمعه غذای پخته میل می کرد؛ بر این حال بود تا از او جدا شدیم و به زیارت مشهد رضوی (ع) رفت و تا پایان عمر در آنجا بود. گمان نمی کنم که فکر باریک بین و صاف او که از توهمات خالی بود، به واسطه چیزی غیر از کم خوراکی باشد. ۶۷

متأسفانه از حالات این دانشمند، بیش از این اطلاعی ندارم و نام او در استادان سید در کتب تراجم نیست (ص ۱۹۸).

عوض بن حیدر شوشتری کرمانی

کتاب حق الیقین از اوست. مخطوط آن، از روی خط مؤلف، مورخ ۱۱۰۰ در زمان حیات نویسنده در اعیان الشیعه (ج ۴۲، ص ۲۲۶) معرفی شده است؛ اما به اشتباه، تاریخ را ۱۲۰۰ پنداشته است (ص ۲۶۱).

یادآوری: عبارت اعیان الشیعه چنین است: «الظاهر أنه سنة ۱۲۰۰ او ألف ومائة وثیء زائد». ۶۸ همان طور که ملاحظه می شود، صاحب اعیان، تاریخ را مردد بین ۱۲۰۰ و هزار و صد و اندی ذکر می کند. اگر حجت الاسلام جزائری با توجه به زمان حیات مولی عوض شوشتری، تاریخ دوم را پذیرفته باشد،

باید هزار و صد و اندی نقل می کرد.

فتح الله بن رضا کیمیایی مرعشی شوشتری

یک) منافع الاحباء فی حکم الطاعون والوباء از آثار سید میرزا فتح الله کیمیایی است. آغاز آن چنین است: «... الحمد لله دافع الوباء ورافع فساد الهواء وخالق الارض والسماء... يقول الفقير الى الله الغني فتح الله بن محمدرضا الحسيني الشوشتری ...».

نسخه ای از این کتاب به خط خواهرزاده مؤلف، سید ابراهیم بن محمد حسین حسینی که چهارده روز پس از تألیف در عید قربان ۱۲۶۵ نوشته شده است در ۱۸۶ صفحه جیبی موجود است.

شرح حال کیمیایی در کرام البرره و جاهای مختلف ذریعه و گلستان پیغمبر (ص ۸۸) و فهرست کتابخانه های اصفهان (ج ۱، ص ۳۷۸) موجود است؛ اما هیچ کدام نامی از منافع الاحباء نبرده اند (ص ۱۰۹).

دو) کیمیایی ماده تاریخ و مرثیه ای برای آخوند ملا محمد جعفر بن آقابرگ شوشتری گفته است که در ۱۹ ربیع الاول ۱۲۶۱ وفات یافت؛ به طوری که در مجموعه کیمیایی مذکور است.

در کرام البرره (ج ۱، ص ۲۴۶) آمده است: شیخ ملا جعفر شوشتری از بزرگان عصر خود بوده و در سال ۱۲۵۰ وفات یافته است و کیمیایی قصیده ای در رثایش سروده است.

تاریخ درست ۱۲۶۱ است و ۱۲۵۰ تاریخ وفات دری شوشتری است که سفینه خوشگوار ترتیب داده و کیمیایی در رثایش قصیده گفته و ما در شجره مبارکه به مناسبتی شرح حال دری و آن قصیده را نقل کردیم (ص ۱۱۲).

فتح علی بن محمد بن اسدالله زلباش

صاحب اللائکی المنتظمه (ص ۱۱۳) فتح علی بن محمد بن اسدالله زلباش را دو بار یاد کرده است و نام پدرش را محمد حسین نوشته که اشتباه است (ص ۲۸۸).

فرج الله بن سلمان جزائری

صاحب اجازة کبیره از بعضی حواشی سید نعمت الله

۶۲. فوائد الرضویه؛ ص ۲۹۱.

۶۳. تاریخ المشعشعین؛ ص ۱۳۵، پاورقی.

۶۴. انوار النعمانیة؛ ص ۳۰۸.

۶۵. مانند قسمت های مختلف ذریعه و الروضة النضرة؛ ص ۳۹۵ و اعیان

الشیعه؛ ج ۴۱، ص ۲۳۸ و تاریخ المشعشعین؛ ص ۱۳۳. نیز:

مشعشعیان در تاریخ؛ ص ۵۶. سفینه البحار؛ ج ۲، ص ۲۴۶ و

الغدير؛ ج ۱۱، ص ۳۱۲ و ...

۶۶. زهر الربیع؛ چاپ نجف، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۶۷. زهر الربیع؛ چاپ نجف، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۶۸. اعیان الشیعه؛ چاپ یازده جلدی، ج ۸، ص ۳۸۱.

اما زرکلی در الاعلام (ج ۷، ص ۱۴۶) سال ۱۴۱۵ میلادی نوشته و حاجی خلیفه تاریخ میلادی را نوشته است (ص ۴۷۹). یادآوری: بنا به آنچه در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله آمده است، تاریخ درگذشت فیروزآبادی ۸۱۷ ق است که با سال های ۱۴۱۴ و ۱۴۱۵ میلادی برابری می کند و تاریخ های منقول در فهرست کتابخانه با سال درگذشت فیروزآبادی تطبیق نمی کند.

فیض الله بن محمد طباطبایی قهپایی

محدث نوری^{۷۱} امیر فیض الله بن غیاث الدین محمد را از مشایخ سید نعمت الله جزائری شمرده است. محدث قمی^{۷۲} و علامه امین^{۷۳} و علامه صدر^{۷۴} هم به پیروی از او دچار اشتباه شده اند. او از مشایخ مجلسی بود^{۷۵} نه از مشایخ سید نعمت الله جزائری. صاحب اجازه کبیره - نوه سید نعمت الله - در بیان طرق روایت سید، مطلبی گفته که خلاصه اش این است: سید طرق متعدد از جمله از علامه مجلسی داشته است. سپس مشایخ علامه مجلسی را برمی شمرد تا به فیض الله بن محمد می رسد. ^{۷۶} به دلیل طولانی بودن عبارت، بعضی تصور کرده اند که او شیخ سید نعمت الله است (ص ۲۰۰-۲۰۱).

قاضی نورالله شوشتری

در شرح حال قاضی نورالله در مقدمه ملحقات احقاق الحق (ج ۱، ص ۸۲) به نقل از مشجره مرعشیه آورده است: مادر قاضی نورالله، دختر عموی او بوده است. واضح است که دختر عموی هر کس برادرزاده پدر اوست و کسی نمی تواند با برادرزاده اش ازدواج کند. شاید دختر عموی پدر او بوده است (ص ۴۸۷).
کفعمی

ابراهیم بن علی بن صالح لویزانی ایضاً الفوائد را در تاریخ ۸۴۵ کتابت کرد. در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۶۴۲) کتاب، کفعمی را صاحب البد الامین خوانده است. کفعمی (تولد ۸۴۰) در این تاریخ پنج سال داشته است (ص ۴۸۰).



۶۹. اجازه کبیره؛ ص ۷۱.

۷۰. ایجاز المقال.

۷۱. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۰۳.

۷۲. الکنی والالقب؛ ج ۲، ص ۲۹۸.

۷۳. اعیان الشیعه؛ ج ۵۰، ص ۲۳.

۷۴. طبقات الاجازات بالروایات؛ ص ۴۲۴.

۷۵. خاتمه مستدرک الوسائل؛ ص ۴۱۲.

۷۶. اجازه کبیره؛ ص ۷۸.

جزائری نقل کرده است که شیخ فرج الله را جزء استادان خود شمرده و او را چنین توصیف کرده است: «العالم الفاضل الفقیه المحدث الثقة العابد الزاهد الورع الکریم المعظم المطاع، فرج الله بن سلمان بن الحارث الجزائری رحمة الله علیه».^{۶۹} در حاشیه اجازه، وفات او را در دهه شصت بعد از هزار نوشته است؛ یعنی حدود ۱۰۶۰.

سید نعمت الله جزائری در حاشیه اهل الاهل این شخص را جزء علمای جزائر شمرده است، نه از استادان خود و همین حاشیه مقصود و مدرک اجازه کبیره بوده است. با در نظر داشتن تاریخ تولد سید نعمت الله جزائری در ۱۰۵۰ و تاریخ وفات این شخص، درس خواندن سید نزد او بعید به نظر می رسد.

در ریاض العلماء و روضات الجنات و تکمله اهل الاهل و الروضة النضرة، شرح حال این شخص موجود است و مدرک همه، همان حاشیه است با این عبارت: «الشیخ فرج الله بن سلمان الجزائری عالم فاضل فقیه محدث ثقة عابد زاهد ورع کریم معظم بین الناس مطاع اقواله و افعاله و کانت السلطین یقصدونه و یتبرکون بدعائه رأیته و هو کبیر السن و کنت أتیمن بدعائه مات رحمه الله عشر السنین بعد الألف» (ص ۱۹۸).

یادآوری: توجه به تاریخ درگذشت شیخ فرج الله و تولد سید نعمت الله، شاگردی سید نزد او را بعید نمی کند؛ زیرا شیخ فرج الله در دهه شصت از دنیا رفته است و این احتمال هست که او در سال ۱۰۶۹ یعنی زمانی که سید نوزده ساله بوده، وفات کرده باشد. سید نابغه ای بود که برخی کتاب هایش را پیش از بلوغ نوشته است و امکان شاگردی نزد او بعید نیست به ویژه با توجه به اینکه تصریح به درک او کرده است؛ دیگر آنکه معلوم نیست صاحب اجازه کبیره - نوه سید نعمت الله - از حاشیه اهل الاهل نقل کرده باشد.

فرج الله بن محمد جزائری

شیخ فرج الله بن محمد بن درویش حویزی در مورد سید نعمت الله جزائری می گوید: «لنا علیه ید تریبه و هو عالم جلیل القدر، مدرس، له کتب».^{۷۰}

مقصود از «لنا علیه ید تریبه» معلوم نشد و گویا ادعایی بی دلیل است؛ زیرا سید نعمت الله در هیچ یک از آثار خود نام او را نبرده و هیچ یک از مورخان نیز او را جزء استادان سید نوشته اند (ص ۲۱).

فیروزآبادی

در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۷، ص ۲۰۹) وفات صاحب قاموس را از قول زرکلی ۱۳۱۶ و از حاجی خلیفه ۱۳۱۷ نقل کرده است و مقصود سال میلادی است.

